

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

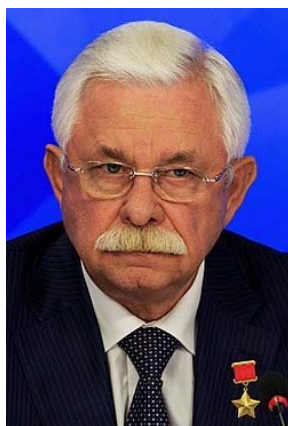
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا.م. شیر
۱۱ اگست ۲۰۲۱



الکساندر روتسکوی - قهرمان اتحاد
شوری، سرلشکر بازنشسته نیروی
هوایی، دکتر علوم اقتصاد، نامزد
دکترای علوم نظامی، پروفیسور

سال‌های هلاکت‌بار (۲)

– «کمیته دولتی وضعیت اضطراری با وارد کردن ارتش به مسکو مرتکب اشتباه جبران‌ناپذیر شد».

هنگامی که شما پیشنهاد یلتسین را برای شرکت در انتخابات به عنوان نامزد معاونت ریاست جمهوری پذیرفتید، آیا تصور می‌کردید که در آینده روابط شما تا این حد خراب خواهد شد؟

– نه، تصور نمی‌کردم. برای این که رفتار یلتسین در آن دوره متین بود، از احترام در میان نمایندگان مردم فدراسیون روسیه سوسیالیستی شوروی و از حمایت گسترده ملی برخوردار بود. پیشنهادات وی برای تغییر سازنده بود. به همین دلیل ما در انتخابات پیروز شدیم. ۵۷ و ۳ دهم درصد به ما رأی دادند.

ما برای تبلیغات انتخاباتی مناطق مختلف می‌رفتیم. من در ۳۵ منطقه. طبق نتایج مناطقی که من در آن‌ها به مبارزه انتخاباتی پرداختم، آرای ما کمتر از ۵۵-۶۰ درصد نبود. در مناطقی که یلتسین برای تبلیغات انتخاباتی رفت، از ۲۷ تا ۳۵ و ۵۷ درصد هم بود. در مجموع، ب‌ا‌غم مخالف شدید حزب کمونیست، ما با کسب آراء ۳ و نیم برابر بیشتر از نیکولای ریژکوف و پاریس گروموف پیروز شدیم.

– روزهای برآمد کمیته دولتی وضعیت اضطراری در ماه اگست ۱۹۹۱ را چگونه به خاطر می‌آورید؟

- کمیته دولتی وضعیت اضطراری با وارد کردن ارتش به مسکو مرتکب اشتباه جبران‌ناپذیر شد. این کار لازم نبود. البته، این افراد را درک می‌کنم. آن‌ها سعی می‌کردند به هر طریق ممکن اتحاد شوروی را، میهن ما را حفظ کنند. محاصره شورای عالی جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه یک حماقت بود. چرا؟ برای این که این تصور را ایجاد کرد، که اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی فقط شامل روسیه است. از آنجائی که در دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی چنین اتفاق نیفتاد، باعث سردرگمی گردید. من کار دفاع از ساختمان شورای عالی را که شورای عالی، دولت، ریاست جمهوری فدراسیون روسیه در آن مستقر بودند، ترتیب دادم.

و هر بار، زمانی که اطلاعات معتبر به نظر می‌رسید، یلتسین بفوریت به سفارت آمریکا می‌شتافت. یک بار او را متوقف کردم و از او اجازه خواستم تا به فوروس پرواز کنم و گوربچوف را که دستگیر شده بود، آزاد کنم. همان روز، خبر دستگیری گوربچوف، رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی شایع شده بود. یلتسین پیشنهاد مرا مورد تردید قرار داد و با پوزخند گفت: «شما موفق نخواهید شد. آن‌ها به شما و همراهان‌تان شلیک خواهند کرد». در پاسخ به او گفتم موفق خواهیم شد. به خصوص این که راه برون رفت دیگری در شرایط فعلی وجود ندارد. بعد از ترک دفتر او به وزیر کشور - آندری دونایف دستور دادم ۲۰ - ۳۰ نفر از افسران نیروهای ویژه وزارت کشور را گرد آوردم. دو ساعت بعد ما به فرودگاه ونوکووا رفتیم. پریماکوف، سیلایف و دونایف همراه من بودند.

ما در کمال آرامش به ونوکووا رسیدیم، هواپیمای آماده به پرواز یاتانیف، معاون رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی را تصرف کردیم و به کریمه پرواز کردیم. هواپیما به زمین نشست. فرمانده فرودگاه پیش آمد. از وی یک اتوبوس خواستم. بعد از ۲۰ دقیقه یک خودرو آواز و اتوبوس در اختیار ما گذاشت. نیم ساعت بعد به طرف فوروس حرکت کردیم. به استراحتگاه گوربچوف رسیدیم. دیمتری یازوف، وزیر دفاع، آناتولی لوکیانوف، رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ولادیمیر کریوچکوف، رئیس کمیته امنیت ملی در مقابل دروازه بودند. از آن‌ها پرسیدم چرا اینجا ایستاده‌اند و به نزد گوربچوف نمی‌روند، او که بازداشت نشده است. آن‌ها پاسخ دادند: «الکساندر ولادیمیراویچ، چه کسی او را بازداشت کرده است؟ ما را به داخل راه نمی‌دهند. شاید، شما را به درگیری‌های شدید بین یلتسین، دولت یلتسین و کنگره نمایندگان مردم فدراسیون روسیه با شورای عالی فرستاده‌اند. فقط احمق‌ها و خائنان، و تعداد زیادی مانند آن‌ها می‌توانستند با اصلاحات یلتسین-گایدار موافق باشند (ایگور گایدار، نخست وزیر دولت یلتسین. پدر بزرگ او، آرکادی گایدار، نویسنده کودکان، خبرنگار جنگی و قهرمان جنگ‌های داخلی اتحاد شوروی و جنگ کبیر میهنی بود. اما خودش گماشته و کارگزار جورج سورس و جفری ساکس! مترجم). آری، برای انجام اصلاحات، ۱۲ نفر از مأموران رسمی سازمان «سیا»ی آمریکا به آن‌ها کمک کردند. اوضاع به چنان درجه حادی رسید که همه چیز به استیضاح رئیس جمهور یلتسین منتهی شد. یلتسین عوامل سقوط اقتصادی، فقر مردم کشور، خودسری در خصوصی‌سازی‌ها، تعطیلی مؤسسات تولیدی، سقوط کشاورزی، عدم پرداخت دستمزدها و حقوق بازنشستگی را با دخالت کنگره نمایندگان خلق، شورای عالی و معاون رئیس جمهور در اجرای اصلاحات توجیه می‌کرد. یلتسین و اطرافیان او فرمان شماره ۱۴۰۰ دایر بر «اصلاح مرحله به مرحله قانون اساسی» را تهیه کردند (تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغیه‌های سال ۶۸ و ۸۴ م.)، آن را چندین بار در معرض دید من قرار دادند. من از تأیید فرمان کودتای دولتی که در واقعیت امر همه قدرت را در دست یک نفر - رئیس جمهور فدراسیون روسیه متمرکز می‌کرد، خودداری کردم. امیدوارم زمانی را که کنگره مسأله استیضاح یلتسین را بررسی می‌کرد، به خاطر داشته باشید. یلتسین در مشروب‌خواری چنان زیاده‌روی کرده بود، که مست و لایعقل دستور داد کپسول‌های حاوی گاز سمی را به تالار

کنگره بیاورند و در صورت رأی عدم اعتماد، درهای خروجی را ببندند و کپسول‌ها را باز کنند. خدا را شکر، که کارژاکوف، رئیس تشکیلات امنیتی یلتسین از اجرای این دستور خودداری کرد.

یلتسین با صدور فرمان شماره ۱۴۰۰ در تاریخ ۲۱ اکتوبر سال ۱۹۹۳ کنگره نمایندگان خلق و شورای عالی فدراسیون روسیه را منحل کرد. در ۲۴ اگست همان سال بر اساس اسناد جعلی علیه من با تصمیم او، معاون رئیس جمهور فدراسیون روسیه را خلاف قانون موقتاً برکنار نمود. دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه حکمی صادر کرد، که این حکم تا به امروز لغو نشده است: به دلیل نقض فاحش مواد قانون اساسی فدراسیون روسیه، رئیس جمهور فدراسیون روسیه، باریس یلتسین از سمت خود برکنار می‌شود.

کنگره نمایندگان فدراسیون روسیه بر اساس حکم دادگاه قانون اساسی مرا به عنوان رئیس جمهور موقت انتخاب کرد. کنگره، شورای عالی و من- عهده‌دار وظایف رئیس جمهور- به منظور حل بحران جاری، برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان فدراسیون روسیه را پیشنهاد کردیم. یلتسین با رد این پیشنهاد و با دست زدن به اقدامات تحریکی، وضعیت بحرانی را تشدید کرد و در نهایت، ابتداء اجتماع مردم در میدان مقابل مرکز تلویزیونی «آستانکینو» و سپس شورای عالی فدراسیون روسیه را هدف تیراندازی از تانک‌ها قرار داد. بیش از ۱۵۰۰ نفر کشته شد. اصلاحات تدریجی قانون اساسی یلتسین به این ترتیب پایان یافت.

- پائیز سال ۱۹۹۱ به حل و فصل مسائل چین- اینگوش مشغول بودید. چرا مهار دودایف در آن زمان ممکن نشد؟

- از این واقعیت شروع کنیم، که در آنجا انبار تسلیحات سپاه منطقه قفقاز شمالی وجود داشت که در پائیز همان سال شروع به تصرف آن کرده بودند. در واقعیت امر، شاپوشنیکوف، وزیر دفاع اتحاد شوروی و گراچوف، رئیس کمیته دولتی فدراسیون روسیه در امور دفاعی اجازه دادند همه این‌ها روند خود را طی کنند. اساساً گنادی بوربولیس، گالینا استراویتاوا، آندری کوزنروف، سرگنی شاخرای که به آنجا می‌رفتند، وضعیت را به درجه بحرانی رساندند همه این‌ها و بسیاری دیگر، زیر نظر مأموران سازمان «سیا» کار می‌کردند. من به یلتسین پیشنهاد کردم به آنجا بروم. او موافقت کرد. در آنجا هنگام ملاقات با دودایف، چنین پیشنهاد کردم: من با یلتسین صحبت خواهم کرد تا با اعطای درجه سپهبدی، شما را به فرماندهی یک لشکر هوانوردی دوربرد - فرمانده سپاه منصوب نماید. ما سه ساعت با هم مذاکره کردیم، با هم چای خوردیم. در نهایت، او موافقت کرد.

من به مسکو برگشتم. به یلتسین گزارش دادم. او گفت، که اصولاً می‌توان چنین کرد. اما حلقه اطراف یلتسین او را به ایجاد سد مانع در آنجا، اعلام وضعیت فوق‌العاده و اعزام نیرو متقاعد کرد. من ضمن اعتراض، استدلال کردم که آن‌ها تاریخ را فراموش کرده‌اند و نمی‌دانند همه جنگ‌های قفقاز چگونه پایان یافته است. ۱۱ دسمبر ۱۹۹۴، یلتسین و گراچوف جنگ را آغاز کردند. چگونه تمام شد، حتماً شما اطلاع دارید- با مرگ چند ده هزار نفر از هموطنان، افسران، سربازان!

- نظر خودتان را در مورد توافقتنامه بلاوژسکی توضیح دهید. درست است که در دسمبر ۱۹۹۱ با گوربچوف ملاقات

کردید و سعی کردید او را برای دستگیری یلتسین، شوشکویچ و کراوچوک متقاعد کنید؟

- من مطابق وضعیت حقوقی موظف بودم رئیس جمهور فدراسیون روسیه را بدرقه کنم. در فرودگاه از یلتسین پرسیدم، در مورد سفر شما به بلاروس چه جوابی به خبرنگاران بدهم. او پاسخ داد، بگو برای عقد توافقتنامه همکاری اقتصادی می‌رود.

اما صبح خبردار شدم که توافقتنامه انحلال اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و تشکیل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع امضاء شده است. در خصوص انحلال اتحاد شوروی یلتسین به جورج بوش، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

گزارش می‌دهد. واکنش مرا تصور کنید. مرا مثل یک کودک گول زدند، گستاخانه فریب دادند. و من به گوربچوف رجوع کردم. زیرا، این جنایت بود و هیچ کس قانون کیفری را لغو نکرده بود. به او گفتم: «این خیانت به کشور است. یک هواپیما و تعدادی از نیروهای ویژه اداره کل اطلاعات را در اختیار من بگذارید تا این سه خائن بی‌اورم. در بازداشتگاه «ماتروسوسکی» روشن خواهند کرد که چه کسی این اختیارات را به آن‌ها داده و چرا یلتسین بلافاصله به بوش گزارش داد که اتحاد شوروی منحل شده است».

کاش بودی و در آن لحظه گوربچوف را می‌دید. رنگ از رخسارش پرید، در اتاق به این سو - آن سو می‌دوید، با اشاره انگشت به سقف، تند - تند، اما آهسته حرف می‌زد: «تو چه می‌گوئی، اینجا همه گوش می‌دهند...».

- بعد از این چگونه با یلتسین رابطه برقرار کردید؟ در نخستین دیدار پس از امضای توافقنامه بلاوژسکی با او در مورد چه مسائلی صحبت کردید؟

- در مورد چه مسائلی صحبت کردیم؟ او سه روز با من تماس نگرفت. اگرچه یک دکمه قرمز روی میز کارم بود که می‌توانستم با فشردن آن، بپرسم که آیا می‌توانم به دفترش بروم. بعد از سه روز انتظار، از دکمه استفاده کردم. به محض ورود از من پرسید: آیا به نزد گوربچوف رفتی و از او هواپیما و نیروی ویژه تقاضا کردی؟ جواب دادم، آری! گفتم: «من عمیقاً مطمئنم، که خیانت بود، خیانت به میهن». در پاسخ یلتسین گفت: «شما نمی‌دانید روند نو-اوگارفسکی (نام محل. م.) چگونه پیش رفت، اتحاد جماهیر شوروی در آنجا دفن شد، کشور جدید تشکیل گردید که از نظر معنی و محتوا هیچ شباهتی با اتحاد شوروی ندارد».

من می‌دانستم که آن‌ها تلاش می‌کردند یک چیزی شبیه به اتحاد جماهیر شوروی درست کنند، اما این، هیچ قرابتی با اتحاد جماهیر شوروی نداشت. به همین دلیل گوربچوف قبل از امضای معاهده اتحادیه جدید خودش را به فوروس رساند.

از یلتسین سؤال کردم: «آیا مشکل بود رهبران همه جمهوری‌ها را همراه با گوربچوف گرد هم بیاوریم و موضوع استعفای رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی را به دلیل گرفتار کردن کشور در بن‌بست، مطرح کنیم؟» خاصه این که، مسئول اخلاقی کمیته دولتی وضعیت فوق‌العاده او بود. واقعیتی که بعداً معلوم شد این بود، که کمیته دولتی وضعیت فوق‌العاده را خود گوربچوف در مارچ ۱۹۹۱، یعنی پنج ماه قبل از برآمد آن در ماه اگست تشکیل داد. او را از سمت خود برکنار می‌کردیم و تمام. و تردید ندارم شما را به عنوان رئیس جمهور اتحاد شوروی انتخاب می‌کردند و کشور هم نابود نمی‌شد. از یلتسین پرسدم: «چرا اتحاد شوروی را نابود کردید؟ برای این که ۲۵ میلیون نفر از هموطنان ما در

جنگ کبیر میهنی قربانی شد؟

او زبان به سخن گشود و گفت: من چیزی نمی‌فهمم. کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بسیار بهتر از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی است و همه می‌دانند.

پیشتر در مورد پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹ توضیح دادم. در آن پلنوم، در باره سیاست ملی جدید تصمیماتی مبنی بر اعطای وضعیت حقوقی کشور مستقل به جمهوری‌ها، از جمله، به جمهوری‌های خودمختار اتخاذ گردید. از آن وقت نابودی اتحاد شوروی پایه‌گذاری شد و گوربچوف در کنگره نمایندگان خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی قوانین تخریب کشور شامل: ترتیب جدانی از اتحادیه، استقلال اقتصادی جمهوری‌های حوزه دریای بالتیک، زبان‌های ملی و غیره را که وضعیت حقوقی دولت به آن‌ها اعطا می‌شد، تصویب کرد. یعنی چارچوب قانونی تجزیه کشور توسط گوربچوف فراهم شد. و یلتسین از آن بهره‌برداری کرد. همین!

گفتگو با یلتسین در حدود یک ساعت و نیم به طول انجامید. او گفت: «قبلا کجا بودی؟ چرا با این پیشنهاد برای انتخاب مجدد گوربچوف به من مراجعه نکردید؟» من جواب دادم: «به عقل چه کسی می‌رسید که شما سه نفر برای نابودی کشور تصمیم بگیرید». صحبت ما با این سخنان یلتسین به پایان رسید: «خوب، باشد. می‌فهمم، شما انسان حساس، به ویژه، نظامی هستید. با پیشنهاد شما من گوربچوف را آزرده نخواهم کرد». این صحبت به این ترتیب پایان یافت.

ادامه دارد...

۱۹ مرداد- اسد ۱۴۰۰

<https://www.sovross.ru/articles/2153/53029>